

بررسی پیدایش علویان در ترکیه و بالکان

محمد قربانپور دلاور^۱

دکتری شیعه شناسی. استادیار گروه مطالعات اسلامی جامعه المصطفی العالمیه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۹ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۹

چکیده

جامعه علویان از گروه‌های مذهبی و عرفانی پرجمعیت در ترکیه و منطقه بالکان می‌باشند که به دلیل پیوند اعتقادی و فرهنگی‌شان با تشیع و تصوف و محبت قلبی آنان با ائمه طاهرين عليهم السلام و نیز قرار گرفتن‌شان در داخل جغرافیای شیعه (به رغم تفاوت‌ها)، از جایگاه و اهمیت به‌سزایی برخوردارند. بدون تردید، برای مطالعه دقیق زیرساخت‌های فکری و مبانی عقیدتی علویان و نیز میزان تأثیرپذیری آنان از مذاهب مختلف اسلامی و طریقت‌ها، باید بررسی جامع و بنیادی در ریشه‌های تاریخی پیدایش علویان صورت پذیرد؛ چراکه پژوهش پیرامون پیشینه‌ی تاریخی و شکل‌گیری اصول اعتقادی و اندیشه‌ای علویان از نکات مهم و بایسته‌ای است که در نیل به وضعیت‌شناسی آنان موثر خواهد بود. بیشتر گروه‌های علوی، مدعی تشیع اثنی‌عشری هستند، هر چند که در نتیجه بعضی عوامل، به مرور زمان از بسیاری از آموزه‌های اصیل خود دور افتاده‌اند. اعتقاد به دوازده امام عليهم السلام، به عنوان مشخصه بارز، اصلی‌ترین رکن اعتقادی «علویان» محسوب می‌شود، اما عدم تقید و فقدان التزام عملی آنان به برخی احکام، موجب ایجاد شکاف جدی با مذاهب اسلامی گردید. هدف این پژوهش، شناخت ریشه‌های علوی‌گری و تأثیرپذیری علویان از نحله‌های فکری و معنوی به ویژه بررسی عناصر مشترک، مشابهت‌ها و تأثیرات اعتقادی آنان از آموزه‌های شیعه می‌باشد که در این نوشتار با نگاه تحلیلی و توصیفی به کنکاش پیرامون موضوع پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

ریشه‌های علوی‌گری، علویان در ترکیه و بالکان، تشیع، تصوف و عرفان.

مقدمه

حضور مسلمانان به ویژه فرقه‌های علوی، بکتاشی، صوفی و عرفانی با پیشینه بیش از هزار سال در بالکان (جنوب شرقی اروپا) بر اهمیت فرهنگی و دینی منطقه افزوده است. منطقه‌ی بالکان همواره به عنوان یکی از مناطق مهم امنیتی، راهبردی و اقتصادی در نظام بین‌الملل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که در طول قرن‌های اخیر، پیوسته مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهانی بوده است. بالکان از هزاران سال پیش گذرگاه نقل و انتقال مردم و حتی، تهاجم به این منطقه محسوب می‌شده است. برخی از بر این عقیده‌اند که: «مردم بالکان همواره روابط تجاری گسترده‌ای با سایر ملل داشته‌اند. ملل ساکن بالکان از طریق جاده ابریشم با ایران و چین در شرق ارتباط برقرار کرده بودند. این ارتباطات علاوه بر خشکی از طریق دریا نیز امکان‌پذیر بود و لذا روابطی دوجانبه و مستحکم در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی بین آنان و سایر ملل در شرق و غرب برقرار بود». (ضیایی، ۱۳۸۲: ۶۳)

به جهت ضرورت تبیین ریشه‌های علوی‌گری، بررسی موضوع تاریخ پیدایش علویان و منشا این جماعت از جهت ایجاد پیوند تاریخی و انتساب آنان به اصالت حقیقی‌شان، بسیار حائز اهمیت است، چرا که غالب علویان و حتی اندیشمندان و دده‌های آنان و نیز پژوهشگران این عرصه، نسبت به اصل و اساس و ریشه و منشا آنان همواره دچار تردید و یا تناقضات فراوان بوده و هستند، بدین خاطر ضرورت ایجاب می‌نماید که این مهم به خوبی مورد بررسی قرار گیرد. در این نوشتار به ریشه‌های علوی‌گری و انتسابشان به برخی مذاهب و جریان‌های مهم خصوصاً تشیع، تسنن و تصوف مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.



تاکنون تحقیقات بسیار کم و غیر مرتبط از حیث جامعیت و تناسب با موضوع این مقاله، به زبان فارسی نگاشته شده است، که به مهم‌ترین کتب و مقالات اشاره می‌شود:

- کتاب «علویان ترکیه» تالیف الیاس واحدی که وضعیت تاریخی، اجتماعی و سیاسی علویان ترکیه را پژوهش نموده است.

- کتاب «جامعه علویان ترکیه» نوشته شعیب بهمن، سیر تحول تاریخی و برخی جریان‌های اجتماعی و آسیب‌های موجود در علویان را به طور اجمال بررسی کرده است؛

- کتاب «مقدمه‌ای بر شناخت جامعه علویان ترکیه» اثر مهدی جمالی‌فر که مشتمل بر مباحث تاریخی و شکل‌گیری علویان و آداب و رسوم این جامعه می‌باشد.

- کتاب «علویان ترکیه» تالیف نوری دونمز که به تاریخ علویان ترکیه، به ترکیب نژادی و پراکندگی جغرافیایی، مراکز و موسسات فرهنگی و برخی عقاید و مراسم آیینی علویان ترکیه، اشاره نموده است،

- کتاب «حاجی بکتاش ولی و متون بکتاشیه» اثر حسین محمدزاده صدیق که به بیان اجمالی پیرامون آشنایی با شخصیت حاج بکتاش ولی و برخی باورهای و اعتقادات و متون عرفانی منتسب به آن پرداخته است.

- کتاب «اسلام و مسلمانان بالکان»، تالیف محمد قربانپور دلاور که اشاره‌ای به جایگاه سیاسی و حقوقی مسلمانان بالکان و نیز تاریخچه حضور مسلمانان و همچنین جایگاه فرهنگ و ادب فارسی در این منطقه دارد.

- کتاب «سیر تاریخی طریقه بکتاشیه» تالیف عطا ابرهیمی‌راد می‌باشد که حاوی نکاتی غیر مستند پیرامون جنبش حروفیه، مولویه و نیز طریقت‌های باطنی و عقاید بکتاشیه می‌باشد؛

- مقاله جایگاه امامت از دیدگاه علویان ترکیه با محوریت دیوان هفت شاعر



علوی، تالیف رسول عبداللہی،

- مقاله «جستاری در گونه‌شناسی میراث مکتوب کهن علویان بکتاشی» تالیف حسین متقی و رسول جعفریان که نسخه‌شناسی خوبی از برخی آثار ترکی علویان نموده است.

- مقاله «رهیافتی بر مسئله امامت و ولایت در نگره طریقت بکتاشیه (با تأکید بر میراث مکتوب بکتاشیه در ترکیه)» اثر ابوالحسن نواب و حسین متقی به جایگاه دوازه امامعلیہم السلام براساس منابع علویان پرداخته است.

- مقاله «گسترش فرهنگ اسلام در اروپای شرقی (بالکان)» اثر محمد قربانپور دلاور که به پیشینه تاریخی تمدن اسلامی در بالکان اشاره نموده است.

۱. مفهوم شناسی

الف: علوی و علویان

«علوی» در لغت به معنای منسوب به علی علیه السلام است و در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که آن حضرت را بر سه خلیفه دیگر ترجیح داده و پیرو اوست. همچنین به کسی که از اولاد علی علیه السلام و فاطمه علیہا السلام و یا از نسل آنان باشد را نیز «علوی» گویند. واژه «علوی»، مفهوم عامی است که شامل همه‌ی طریقت‌های علوی می‌گردد؛ در این مقاله، گروه‌ها و جمعیت‌های علوی، اعم از بکتاشیان، قزلباشیان و برخی از جریان‌های صوفی که به دلیل تعامل و تقارب، گرایش بسیاری به تشیع در منطقه ترکیه و بالکان پیدا کرده و به علویان مشهور و منتسب می‌باشند، مورد نظر است. در حال حاضر دو مسلک اعتقادی با عنوان مشخص شده «علوی» وجود دارد؛ یکی از این‌ها نصیری است که در لبنان و حوالی سوریه به موجودیت خود ادامه می‌دهد (که در این نوشتار پیرامون آنان بحث نشده است) و دیگری علویان یا قزلباشان و نیز بکتاشیان می‌باشند که از اختلاط ترکیب جمعیتی آناتولی در قرن هفتم هجری به وجود آمدند و در قرن نهم هجری، با تبلیغات صفویه گسترش یافتند.

ب. بالکان و موقعیت آن

شبه جزیره بالکان در اروپای جنوب شرقی، شامل کشورهای: یونان، آلبانی، بلغارستان، کوزوو، بوسنی و هرزگوین، کرواسی، اسلوونی، مقدونیه، صربستان، مونته‌نگرو، رومانی، و (بخش اروپایی) ترکیه می‌باشد. این منطقه از شرق به دریای سیاه و دریای اژه، از غرب به دریای یونان و دریای آدریاتیک، از جنوب به دریای مدیترانه و از سوی شمال به کوه‌های آلپ دینار و آلپ ترانسیلوانی و جلگه مجارستان مرزبندی می‌شود.

پیرامون سابقه و پیشینه‌ی اسلام و مسلمانان در بالکان، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد که دقیقترین آن اشاره دارد به حضور مسلمانان قرن نخست هجری قمری (لویس، ۱۳۷۴: ۲۸) که در حقیقت قرن‌ها قبل از حضور عثمانیان به بالکان می‌باشد که در مقاله دیگر نویسنده حاضر، بدان اشاره شده است. همچنین بر اساس مستندات گوناگون، محرز است که علوی‌ها و فرقه‌های صوفیه از دیر زمان در منطقه بالکان به ویژه در کوزوو، مقدونیه، آلبانی، سنجاک صربستان، بلغارستان و مناطق همجوار آن حضور داشته‌اند. ظهور آنان مربوط به دوره پیش از حضور عثمانیان در منطقه بالکان است. آنها با استحکام حکومت عثمانی، عقیده خود را در این بخش شبه جزیره بالکان گسترش دادند. در حقیقت، علویان و صوفیان نقش مهمی در گسترش مکتب و فرهنگ اسلام و ایجاد آبادی‌ها در گستره یوگسلاوی و فراتر از آن داشته‌اند. (قربانپور دلاور، ۱۳۹۷: ۶۴)

۲) ریشه‌های علوی‌گری و پیدایش آن

الف: منشأ علوی‌گری

همچنان که در بخش کلیات و مفاهیم اشاره شد، علوی در لغت به معنای منسوب به علی علیه السلام است و در اصطلاح، در این مقاله به گروه و جمعیت علوی، بکتاشی و طریقتی که در منطقه ترکیه و بالکان مستقر هستند و به علویان مشهور و منتسب می‌باشند، مورد نظر است.



علویان برای به کار بردن کلمه «علوی» استفاده از این واژه، به دو دلیل اصرار دارند: اول، این که این واژه مشتق از نام حضرت علیعلیه السلام است که در مرکز اعتقادات علوی گری قرار دارد و دوم این که این اصطلاح در قیاس با نام‌هایی، چون قزلباش، رافضی، زندیق، ملحد و ... که از خارج به آنها اطلاق شده است، جنبه تحقیر آمیز ندارد و برعکس، چون از نام جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله اخذ شده است، به ایشان بزرگی و افتخار نیز می‌دهد. (یاشار اجاق، ۱۳۸۵: ۲۵)

بسیاری از علویان و محققان علوی گری، زمان برخورد حضرت علی علیه السلام و معاویه بر سر خلافت را آغاز علوی گری می‌دانند. مسئله‌ای که در نگاه اول، این نظریه را صحیح می‌نمایاند، شخص حضرت علیعلیه السلام است که موضوع اصلی اعتقادات علوی گری است. منطق و اساس این دیدگاه چنین است که وقتی علوی گری، پیرامون حضرت علی علیه السلام به وجود آمد و آن حضرت را در مرکز اصول عقایدش قرار داد در این صورت آغاز آن نیز باید با خود حضرت علی علیه السلام مرتبط باشد. این نقطه آغازین، درباره تشیع صدق می‌کند و در واقع آغاز تاریخ تشیع از همین جاست. البته زیربنای علوی گری و ساختار باورهای آن بر جغرافیای وسیعی تکیه دارد که از آناتولی تا آسیای مرکزی و شبه جزیره بالکان و حتی تا اروپای غربی امتداد می‌یابد. (یاشار اجاق، ۱۳۸۵: ۲۵)

علوی گری در ترکیه و بالکان از بطن اسلام به در آمده است. چرا که اسلام در پیدایش آن، نقش اساسی داشته و بر پایه‌ی معارف شیعه بنیان گرفته است. علویان خود را مسلمان و شیعه‌ی دوازده امامی می‌دانند. به توحید، نبوت رسول اکرم و امامت حضرت علی همراه با ولایت اعتقاد دارند. «ذات بی تعین خداوند را نور ازلی و مطلق می‌شناسند که در وجود رسول اکرم و حضرت علی علیه السلام تجلی کرده است». (محمد زاده صدیق، ۱۳۹۵: ۳۹)

علویان به جز عامل نبودن به فرایض دینی مانند نماز و روزه و ترک بعضی از

واجبات و میل به محرمات، در باورهای دینی، آنان فرقی با مسلمانان به ویژه شیعیان ندارند. گرچه باورها و عقائدات آیین‌های قبل از اسلام ترکان در شکل‌گیری و تکامل علوی‌گری کم‌تأثیر نبوده است. (محمد زاده صدیق، ۱۳۹۵: ۴۲)

در بررسی پندار، کردار و رفتار بکتاشیان، در کنار عناصر مشترک شیعی، رگه‌هایی از اندیشه‌های مکاتب بومی آسیای مرکزی، همچون شَمَنیزم، مانویت یا عقاید ادیان بومی برون دینی آناتولی، مانند نصرانیتِ نسطوری، و حتی مکاتب و طریقه‌های درون دینی، همچون اسماعیلیان و حروفیان نیز قابل مشاهده و مطالعه است. البته در محلّ خویش، باید پاسخ داده شود که علویان بکتاشی، در روند تطوّر تاریخی شکل‌گیری هویتی خویش، این باورها را، از مکاتب و مذاهب دیگر گرفته‌اند یا این عناصر مشترک، صرفاً نوعی تشابه عادی جاری در نوع باورهای ادیان و مذاهب مختلف است؛ و شاید چندان ارتباطی با مسئله‌ی تأثیرپذیری از یکدیگر ندارد. (متقی، ۱۳۹۶: ۶۱)

علویان به قرآن، پیامبر اکرم، حضرت علی، اهل بیت علیهم السلام و احکام و قوانین اصلی اسلام اعتقاد دارند؛ ولی در مورد شناخت حضرت علی و اهل بیت علیهم السلام و در به کارگیری اعتقادات و عبادات خود، تفاوت‌هایی میان آنان وجود دارد.

آنان در دعا‌های خود از حاجی بکتاش نیز طلب یاری می‌نمایند و از اعداد چهل، چهارده، دوازده، هفت، پنج و سه زیاد نام می‌برند. عدد چهارده را به خاطر دوازده امام به همراه پیغمبر و حضرت فاطمه‌علیهم السلام، دوازده را به خاطر ۱۲ امام، هفت را به خاطر مراحل هفت گانه طریقت، پنج را به خاطر پنج تن آل عبا و سه را به خاطر الله، محمد، علی در غالب دعا‌های خود یاد می‌کنند. (امامی خوئی، ۱۳۹۵: ۱۴۳)

علویان آناتولی ابتدا به وسیله ساری سلتوق و بعدها به وسیله عثمان بابا در روم ایلی و بالکان پراکنده شدند. نوادگان شیخ صفی الدین اردبیلی با چرخش به سوی



علوی گری و گرفتن نام قزلباش، به گسترش علویان سرعت بخشیدند.

ب: روند علوی گری در ترکیه و بالکان

ترکان چادر نشین در جستجوی جایگاهی در اسلام بودند که به آداب و رسوم و سنت های قدیمی آنان احترام قایل شده و حامی صفات و روح آزادگی، جوانمردی، انسان دوستی و عدالت باشد. آنان در میان چهار خلیفه صدر اسلام، خواسته های خود را در حضرت علی علیه السلام یافتند که داماد پیامبر اسلام بوده و برخورد و رفتار نیکی با مسلمان غیر عرب داشته و همانند ترکان اوغوز از خویشان خود بی عدالتی ها دیده بود.

از این روی، بیشتر ایلات و قبایل به حضرت علی علیه السلام گرایش یافتند. بعد از این گرایش به آن حضرت بود که آنان را علوی گفتند؛ یعنی طرفدار مکتب حضرت علی علیه السلام و دوستدار و همفکر علی علیه السلام. میان علویان آناتولی با دیگر مناطق تفاوت هایی بسیار وجود دارد. اعتقادات اسلامی بعدها وارد اندیشه آنان شد. با این همه، معتقدات اسلامی حتی بعد از تحولات چیزی از دست نداد. برعکس، در این دگرگونی ها پیروز شد. اما تصوف اسلامی در بین این ترکان چادر نشین ساده به اوج رسید. بی شک اولین وابستگی علویان ترک اوغوز به مفهوم عناصر اسلامی، مفهوم «الله» و محمد صلی الله علیه و آله است. آنان به وجود خالق و رسول این جهانی او وابسته شدند. اما گاهی وارد معتقدات افراطی دور از عقل نیز شدند. علوی ها با شنیدن نام حضرت علی علیه السلام دست بر سینه می نهند و نسبت به وی ادای احترام می کنند. (Nejat Birdoğan, 169:1990)

ج: علویان و تصوف مایل به سنی یا شیعه

علوی در تصوف، عنوان مشترک برخی از طریقت ها است. در تصوف از قرن پنجم هجری و پس از شکل سازمانی، برخی از طریقت ها به سبب وابستگی به حضرت علی علیه السلام، به طریقت های علوی مشهور شدند؛ مانند قادریه و رفاعیه.

برخی نیز با انتساب خود به ابوبکر، به بکری‌ها شهرت یافتند؛ مانند نقشبندیه. ولی کاربرد اصلی عنوان علوی به سبب پذیرش اعتقاداتی است که منتسب به حضرت علیعلیه السلام می‌باشد.

با آغاز فتح آناتولی توسط اوغوزهای چادرنشین در قرن پنجم هجری تا انسجام فتوحات آنان، این قبایل با شعور و درک شخصی، وابسته به کانون‌هایی بودند. این وابستگی از یک سو نتیجه اعتقادات آنان و از دیگر سو نیز برای جلوگیری از تخریب و انهدام آنان بوده است. بویژه در قرن هفتم هجری، با فرار مردم از مقابل تهاجم مغولان، پیروان طریقت‌ها، آناتولی را محیطی آرام برای خود یافتند. این پیروان طریقت به دنبال پیران خود و با اجرای خواسته‌های آنان، مناطق خود را ترک کردند و وارد آناتولی شدند.

این پیران طریقت با دایر کردن خانقاه‌ها در نقاط مختلف آناتولی، در صدد گسترش طریقت خود برآمدند. همچنین هنگامی که سلاجقه آناتولی به مشکل برمی‌خوردند با هماهنگی پیران قبایل، همانند سپری در مقابل دشمنان عمل می‌کردند. همچنین در شورشها و تخریبهای ایلات خود نقش ساز شدند. بدین ترتیب تحت تأثیر اعتقادات آناتولی گروه پیران، درویشان، ارنها (صالحان) با عنوان ولی شکل گرفتند. (امامی خوئی، ۱۴۳:۱۳۹۵)

ابتدا دو گروه گسترده طریقت‌های سنی و غیرسنی ظاهر شدند. طریقت‌های سنی قادریه، رفاعیه، کبرویه و سهروردیه در شهرها و طریقت‌های غیرسنی نظیر وفائیه، یسویه، قلندریه و حیدریه در روستاها ظاهر شدند. (Nejat Birdoğan, 205:1990) این طریقت‌های ظاهر شده قبل از قرن هفتم هجری بتدریج قدرت خود را از دست داده، در هویت‌های جدیدی ظاهر شدند. می‌توان گفت شخصیت حاج بکتاش طریقت‌های غیرسنی را از مسیرهای خود جدا کرده، آنها را در جهت تلفیق و سوق دادن به سوی یک شخصیت جدید راهنمایی نمود؛ نتیجه مشخص آن شکل‌گیری طریقت بکتاشیه از تلفیق طریقت‌های وفائیه، بابائیه، قلندریه و حیدریه می‌باشد.



این بزرگان طریقت پس از بدل شدن به شخصیت هایی مقدس در آناتولی، حتی پس از فوت نیز از جانب مریدانشان فراموش نشدند. این قبایل از یک سو تحت حاکمیت خان و رئیس قبیله زندگی می کردند و از سویی نیز تحت تأثیر بزرگان طریقت، اعتقادات و آداب و رسوم خود را ادامه می دادند. پس از مرگ بزرگان طریقت، مزار آنان به صورت کانون زیارت در می آمد. با رسوم به جای مانده از آسیای مرکزی، گاهی بسیاری از قبایل در اطراف یک کانون مذهبی گرد می آمدند. بدین ترتیب در قلمرو خارج از شهرها، امروزه نیز وجود مراکز تقدس علویان را می توان مشاهده کرد. این کانون های مقدس به صورت باور نکردنی در تمام قلمرو جغرافیایی آناتولی به وجود آمدند.

پیرامون عقاید و باورهای علویان، منابع و محققان دارای دیدگاه های گوناگونی می باشند، تا جایی که در برخی آثار، آنان جزء فرقه های تصوف به شمار آمده اند که به طور رسمی سنی مذهب بودند، (پطروشفسکی، ۱۳۵۴: ۳۶۶) و همچنین در برخی دیگر از فرقه های صوفی شیعه معرفی شده اند. (گولپینارلی، ۱۳۸۷: ۲۳۰)

هر چند که مصطفی شیبی، دیدگاه دیگری را بیان می کند: «با نگاهی به آموزه ها و باورهای اولیه در عقاید بکتاشیان، آنها در ابتدا پیرو یک مذهب و مرام خاص فقهی و کلامی نبودند، و همچون دیگر طریقت های صوفی، عقایدشان متکی بر آموزه های صوفیانه بوده است.» (شیبی، ۱۳۸۰: ۳۵۹) لازم به تاکید است که در سرزمین های عثمانی اشتراک مبانی اندیشه ای تشیع و تصوف در علویان و بکتاشیان بارز بود. (Nasr, 1972: 117). همچنین برخی می گویند که حاج بکتاش ولی هیچ گاه اعلام به تشیع نکرده است و شیعی گری بعد از او به طریقت بکتاشیه وارد گشته است. (شیبی، ۱۳۸۰: ۳۵۸)

در واقع طریقت بکتاشیه با توجه به ویژگی دولتی بودن خود در غرب قلمرو

آناطولی، هیچ‌گاه در حکومت عثمانی به صورت علنی و رسمی اظهار به تشیع نمی‌کرد؛ چرا که از دیدگاه سلاطین سنی مذهب آل عثمان و به خصوص علمای رسمی، تشیع خطری دینی و سیاسی به شمار می‌آمد. (رفیق، ۱۳۷۲: ۶۲)

افزون بر این، طریقت بکتاشیه با توجه به گرایش تصوفی که دارد، قرابت و علاقه به شیعه نیز در میان‌شان ظهور و بروز دارد، هر چند که دیدگاه غالبانه در میان برخی از آنان، متاخر بوده و بعدها در میان‌شان رایج گشته است. در واقع بکتاشیان یک طریقت عرفانی و تصوفی مبتنی بر آئین تشیع بوده که به تدریج به غالی‌گری نیز گرایش پیدا کرد. چنانچه مادلونگ معتقد است «عقیده‌های الحادی غلات شیعه جایگزین عقیده‌های امامی در طریقت بکتاشیه شده است.» (مادلونگ، ۱۳۷۷: ۸۹)

با در نظرگیری این مطالب می‌توان گفت که هم‌جواری بکتاشیان به خصوص در غرب قلمرو عثمانی به واسطه تسلط و گرایش‌های خاص حکومت‌شان، به شکل مذهب رسمی سنی بوده، ولی این جریان بیشتر برای جلوگیری از تحت فشار قرار گرفتن از سوی رهبران عثمانی بوده است؛ که بکتاشیان را واداشت در کنار قبول آئین رسمی به تبلیغ طریقت خود بپردازند، چنانچه بکتاشی شدن نیروهای غالب ینی چری این فرضیه را اثبات می‌کند. (رازنهان، ۱۳۹۲: ۶۵)

منابع درباره اصالت مذهب حاج بکتاش ولی اتفاق نظر ندارند، هر چند برخی منابع متأخر که به وی منسوب شده برخی شائبه‌های تشیع وی را تقویت می‌نمایند. از طرف دیگر طرح برخی مواضع در مقالات منتسب به وی درباره پیامبر و حضرت علی‌علیه السلام بعضی پژوهشگران همچون شیعی را بدین نتیجه رسانده که به طور تلویحی وی را سنی معرفی کنند (رازنهان، ۱۳۹۲: ۶۵) و با تأکید بر این نکته که «اگر اصل انتساب مقالات به حاجی بکتاش درست باشد، این همه نشانه آن است که شیعی‌گری بعدها وارد طریقه بکتاشی شده است.» (شیبی، ۱۳۸۰: ۳۵۸)

برخی‌ها هم بر این نظرند که وی پیرو مذهب تسنن بوده ولی در باطن شیعه بوده است. (انوشه، ۱۳۷۹: ۳۸۹) عده‌ای هم بر این باورند که وی مروج صورتی از



اسلام تلفیقی بر پایه تسنن و قوالب مسیحیت بوده است. (لاپیدوس، ۱۳۷۶: ۴۰۸) با این حال به نظر می‌رسد روند تاریخی سیر طریقت بکتاشی و حوزه جغرافیایی و نفوذ حاج بکتاش نظریه شیعه بودن وی را تقویت می‌کند. به نظر می‌رسد در اوائل امر حاج بکتاش تشیع خود را به سبب محیط سیاسی آسیای صغیر عیان نکرد. ولی دایره نفوذ تشیع بر جانشینان و پیروان وی حقیقت تشیع وی را کتمان نمی‌کند. (رازنهان، ۱۳۹۲: ۶۵)

از طرف دیگر بکتاشیه همانند برخی از فرق صوفیه (چه شیعه و چه سنی) چندان در قید و بند شریعت نبوده‌اند، (فاخوری، ۱۳۸۱: ۲۹۳) مراسم ظاهری اسلام را ناچیز و غیر مهم می‌پنداشتند. (گیپ، ۱۳۶۷: ۱۸۱) و عقیده داشتند که احکام شریعت برای اهل ظاهر وضع شده است. (سبحانی، ۱۳۵۵: ۵۳۵) چنانچه در بستان السیاحه نیز آمده که «این طایفه ملتزم صوم و صلات و سایر عبادات نبودند.» (شیروانی، بی‌تا: ۱۵۳) از طرف دیگر محبت به اهل بیت علیهم السلام، به‌ویژه حضرت علی علیه السلام از دیگر آموزه‌های صوفیانه است که اساس اعتقادات بکتاشیه را تشکیل می‌داد. اگر بپذیریم که محبت به اهل بیت و ستایش علی علیهم السلام در غالب طریقت‌های صوفی چون بکتاشیه از آنجا ناشی شده است که مشایخ آنها علوی و سید بوده‌اند، لذا علوی بودن حاجی بکتاش ولی نقش زیادی در گرایش پیروان وی به اهل بیت علیهم السلام داشته است. (گولپینارلی، ۱۳۸۷: ۲۳۰)

د: علویان و تشیع

بیش از همه، جریان علویان را می‌توان به شیعه منتسب نمود. این ادعا هم با مکتوبات و عقاید و اندیشه‌های آنان قابل اثبات است. با اذعان به این نکته که حاج بکتاش ولی، علوی و سید بوده، اعتقاد وی به مبانی تشیع، از شعری که یکی از شعرای ترک در قرن ۱۵م از وی نقل کرده نمایان است. در این شعر اعتقاد کامل به پیامبر و ادای احترام به امامان دوازده گانه شیعیان دیده می‌شود. (Birge, 937:33-44)

پس با توجه به این مطالب اشاره به این نکته ضروری است که با اینکه حاج بکتاش ولی به اساس شیعه اثنی عشری صادق بوده، اما به طور عام هیچ گاه تظاهر به آن نمی کرد. بنابراین پس از غور در مطالب بالا سه نوع دیدگاه از مرام اولیه بکتاشیه برداشت می شود: الف) بکتاشیه سنی مذهب بوده اند ب) شیعه مذهب بوده اند ج) در اوائل دارای مذهب مشخصی نبوده اند و بعدها شیعی گری وارد طریقت آنان شده است. (رازنهان، ۱۳۹۲: ۶۵)

به علت مناسب نبودن شرایط علوی گری، پس از روی کار آمدن شاه اسماعیل مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی صورت علنی یافت. ولی خانقاه برای برقراری ارتباط، دگرگونی هایی در آداب و رسوم قزلباشان به وجود آورد. (فاروق سومر، ۱۳۷۱: ۳۰) یکی از نکات اساسی و گاهی سری علویان آناتولی طرفدارای آنان از شاه اسماعیل بوده است.

ماچیل کیل^۱ از مورخان قرن هیجدهم که برای نخستین بار طریقت بکتاشیه را مورد بررسی قرار داده، می نویسد اوتمان بابا با عقاید ملامی، حروفی و شیعه بیگانه نبوده است. (امامی خوئی، ۱۳۹۵: ۲۱۹)

نوریس اعتقاد دارد بکتاشیان برخلاف دیگر طریقت های صوفی منطقه بالکان، در اصل از تشیع تبعیت می کردند. (Norris, 1993:89) همچنین اسپنسر تریمنینگام معتقد است که پیروان بکتاشیه مدعی بودند که سنی مذهب هستند، ولی در حقیقت ادعای آنان یک تناقض بود، زیرا سرسختانه پایبند اهل بیت علیهم السلام بودند. (Trimingham, 1973:80) به طوری که هواداران آنان سه خلیفه اول را لعن می نمودند و ائمه اطهار علیهم السلام را در بزرگی ستایش می کردند. خان ملک ساسانی هم در این زمینه معتقد است که: «بکتاشی ها اگر چه ظاهراً خود را در ممالک عثمانی سنی می نامند، ولی از غلات شیعه محسوب می شوند». (ساسانی،

۱۷۸:۱۳۴۵) به همین سبب پطروشفسکی معتقد است که طریقت مزبور رسماً سنی و صوفی شمرده می‌شدند، ولی در خفا به تعالیم باطنی و اصول تشیع گرایش داشتند. (پطروشفسکی، ۱۳۵۴:۳۶۶)

بنابراین به نظر می‌رسد که منظور نوریس و یا دیگر پژوهشگران که اعتقاد به ابهام در عقاید بکتاشی دارند، بیشتر ناظر به اختلاف استراتژی بکتاشی‌های شرق و غرب قلمرو عثمانی است. زیرا بکتاشی‌های شرق قلمرو همواره شیعه‌گری خود را نشان می‌دادند و با شرکت در شورش‌های ضد عثمانی به آن جامه عمل می‌پوشاندند. از این رو، فرضیه سنی بودن بکتاشی‌ها بیشتر به غرب قلمرو عثمانی تکیه دارد که آنان مجبور بودند به سبب تسلط امپراطوری عثمانی، روش تقیه را در پیش بگیرند. که شاید آن هم برای تظاهر و فرار از شکنجه بوده است. (رازنهان، ۱۳۹۲:۶۵) اشاره به این نکته ضروری است که پس از مرگ بایزید دوم که تقریباً رابطه مناسبی با بکتاشی‌ها داشت، سلطان سلیم به واسطه دشمنی با صفویان کینه سختی نسبت به بکتاشیه و گروه‌های رافضی در پیش گرفت. (قلیچ ارول، ۱۳۸۸:۱۲۴)

اما نکته مهم اینکه به مرور زمان، طریقت بکتاشیه در آسیای صغیر خواهان بسیاری یافت، به طوری که عقیده غالب ینی‌چری‌ها گردید. (Bosako, 1999:279-280) هر چند پیوند بکتاشی‌ها در سپاه ینی‌چری، احتمال این که این آمیزش، پوششی برای حفاظت از شکنجه بوده را از نظر دور نمی‌دارد. (Agoston, 1977:88)

بنابراین دور از نظر نبود که در دوران محمود دوم به واسطه نفوذ بیش از حد این فرقه در نیروهای ینی‌چری و نشانه‌های سرپیچی و اعمال خلاف شرع کارنامه این فرقه در هم پیچیده شود. (قلیچ ارول، ۱۳۸۸:۱۲۶) کما اینکه از بین رفتن سپاه ینی‌چری، اولین ضربه محکم را بر پیکره بکتاشیه متشیع آسیای صغیر وارد نمود. (توال، ۱۳۸۰:۶۴)

بکتاشی‌های شرق قلمرو عثمانی که تقریباً در چتر حمایتی صفویان می‌زیستند،

بر تشیع خود اصرار می‌ورزیدند و از حمایت حامیان ایرانی خود برخوردار بودند. آنان در مناسبات دولت صفویه و حکومت عثمانی پیوسته جانب صفویه را می‌گرفتند. (حاجی بکتاش، ۱۳۸۱: ۵) به طوری که بکتاشی‌های اهل تصوف و فتوت نیز خود را تابع شاه ایران قلمداد می‌کردند. (امامی خویی، ۱۳۷۳: ۱۶-۱۵) اما بکتاشی‌های غرب قلمرو عثمانی به دلایل سیاسی تحت سیطره حکومت ترک‌ها قرار داشتند و خواسته یا ناخواسته مجبور بودند با ایدئولوژی رسمی حکومت همسو گردند. بنابراین باید بین بکتاشیه رسمی و دولتی مورد حمایت سلاطین عثمانی که هر چند حضرت علی علیه السلام را مدح می‌گفتند، ولی آشکارا اظهار به تشیع نمی‌کردند؛ با بکتاشی‌گری مخالف حکومت عثمانی در منطقه آناتولی که آشکارا اظهار تشیع می‌کردند، و شاهان صفوی نیز آنها را مورد حمایت قرار می‌دادند، فرق گذاشت. در واقع دو گروه بودند که در امپراطوری عثمانی، حضرت علی علیه السلام را مدح می‌گفتند و دارای تمایلات شیعی بودند: نخست بکتاشیان و دیگر گروه، شیعیانی که در ایالات خاوری سکونت داشتند و تحت نفوذ دینی و سیاسی ایران بودند. (رازنهان، ۱۳۹۲: ۶۵)

شاهان صفوی نیز با حمایت از قیام کنندگان جلالی در آناتولی و بکتاشیان غالی در این منطقه در صدد بودند تا آل عثمان را براندازند. برای نمونه در سال ۹۳۳ق شورش بزرگی توسط قلندر چلبی یا «قلندر اوغلو» به وقوع پیوست. وی با ادعای به اینکه یکی از فرزندان حاج بکتاش ولی است، نیروهای بسیاری از طریقت بکتاشی جذب نمود؛ (رفیق، ۱۳۷۲: ۷۲) تا جایی که امپراطوری عثمانی به سختی توانست با تطمیع مردم سرخورده آناتولی این شورش را سرکوب نماید. (Shaw, 1976: 92) لذا همواره تشیع از نظر سلاطین سنی مذهب آل عثمان و مخصوصاً از دیدگاه علمای رسمی خطری دینی و سیاسی به شمار می‌آمد. (رفیق، ۱۳۷۲: ۶۷) بنابراین سخن فواد کوپرلو قابل تأمل است که اعتقاد داشت جنبش بکتاشیه و تعدادی از شورش‌های الحادی در میان قبایل که تا قرن ۱۷م در آناتولی ادامه



پیدا کرد، ارتباط نزدیکی در برپایی دولت صفوی در ایران داشتند. چنانچه پدیده‌های دینی و گروه‌های مذهبی ارتباط بسیار نزدیکی در برپایی امپراطوری عثمانی داشتند (Koprulu, 1992:2)

مهم این که وقتی فرقه‌ی بکتاشیه در قرن شانزدهم میلادی توسط بایم سلطان معروف به پیرثانی قوام گرفت، (Tschudi, ۱۹۸۶:1162) مهمترین چالشی که بین حکومت و بکتاشیگری به وجود آمد، نزدیکی بین صفویان و بکتاشی‌های هم عقیده قلمرو شرقی امپراطوری عثمانی بود. چنان که توفیقی که بایم سلطان به دست آورد دعوت سلطان بایزید و درباریان‌ش به مکتب بکتاشی بود. (Norris, 1993:93) اما مهم‌تر از آن حربه یا تفکر بایزید جهت ورود به چنین جرگه‌ای بود؛ چنانچه بایزید هم انتظار داشت که بکتاشیان یاغی در شرق آرام شوند و همچنین از پیوستن به صفویان جلوگیری گردد. (Toussulis, 2011:109)

برخی شرق‌شناسان بی توجهی بکتاشیان به آداب و عبادات ظاهری اسلام را به عنوان نحوه‌ی مواجهه بکتاشیان با اسلام تبیین کرده‌اند. این در حالی است که بسیاری از بکتاشیان چنین ایده‌ای را به عنوان عقیده‌ای ضاله مردود شمرده‌اند. (یازجی، ۱۳۸۹-۶۸-۶۶) موافقت آنها با احکام شریعت، به گواهی جان گینک اسلی بیرگ (Birge, 1994:107) محقق انگلیسی، توسط بکتاشیان آلبانی همچون بابا سلیم کاليجانی و بابا رجب (متوفی ۱۹۹۵) بسیار محکم تایید شده است. (Baba Rexheb, 2006) بابا سلیم گفته است که بکتاشیان نه تنها نمازهای یومیه را در مساجد یا «میدان‌های» خود برپا کرده و به شریعت باور دارند، بلکه نمازهای مستحب سحرگاه و شبانگاه را نیز ادا می‌کنند. (یازجی، ۱۳۸۹:۷۰) نوریس می‌گوید: «گرچه برخی، بکتاشیه را به اشتباه بخشی از اسلام سنی می‌دانند اما با توجه به مبانی نظری‌شان، آنها را می‌توان به عنوان فرقه‌ای از شیعیان نگریست». (Norris, 1993:93)

چنان که همانند شیعیان اثنی عشری ایران به دوازده امام قائلند و امام جعفر صادق علیه السلام را به عنوان مهم ترین امام خود می دانند. مبانی نظری بکتاشیان به نحو ماهرانه ای توسط شاعر برجسته ملی آلبانی نعیم فراشری - شاید معروف ترین محب در آلبانی - آن چنان که در زیر آمده خلاصه شده است:

بکتاشیان به خدای بزرگ و متعال، محمد، علی، خدیجه، فاطمه، حسن و حسین باور دارند. آنان به دوازده امام که امام علی، امام حسن، امام حسین، امام زین العابدین، امام محمد باقر، امام جعفر صادق، امام موسی کاظم، امام رضا، امام محمد تقی، امام علی النقی، امام حسن عسکری، امام محمد مهدی [علیهم السلام] باور دارند.
(یازجی، ۱۳۸۹: ۷۲)

دکتر محمدزاده صدیق در اثرش چنین بیان می دارد: «این طریقت از بطن اسلام تراویده و برپایه ی معارف شیعی بنیان گرفته است» همچنین می گوید: «به ضرس قاطع می توان بکتاشی گری و علوی گری را یک مسلک از مذهب شیعه قلمداد کرد» (محمد زاده صدیق، ۱۳۹۵: ۴۹)

با بررسی باورهای علویان و بکتاشیان، می توان به عناصر مشترک، مشابهت ها و تأثیرات اعتقادی آنان از آموزه های مکتب اهل بیت علیهم السلام پی برد. به دیگر سخن، بررسی ها و مطالعات استنادی روی متون کهن علویان بکتاشی در دوره ی عثمانی (۶۶۹-۱۳۴۲ ه.ق.)، حاکی از وجود عناصر مشترک اعتقادی بسیار گسترده و قوی میان بکتاشیان و شیعیان است. (متقی، ۱۳۹۶: ۶۱) برخی از عناصر عبارتند از: اعتقاد و محبت به چهارده معصوم و دوازده امام علیهم السلام، تولا و تبری، عشق و ارادت و سوگواری سیدالشهدا علیه السلام، وجود بن مایه های شیعی در متون مذهبی علویان، و نیز باور به جعفری بودن مذهب علویان. عبارت هایی چون: «مذهب جعفری است»، «ما پیرو مذهب امام جعفر علیه السلام هستیم»، «در مذهب امام جعفر هستیم»، «اگر از مذهب من پرسی، جعفری هستم» و «مذهب من جعفری حق است» در منابع مکتوب علوی - بکتاشی بدون اشاره به نگرش های امام جعفر صادق



علیه السلام دیده می‌شود (Ipınarlı, 1999: 187Gö) و همچنین در مراسم اقرار و در ادعیه‌ای که به هنگام نکاح و تلقین خوانده می‌شود، (Kaya, 1989: 52-53) همه نشان‌گر این است که این جریان تحت تاثیر تشیع بوده است.

نتیجه‌گیری

علویان و بکتاشیان در آناتولی و بالکان، ریشه در اسلام دارند و جریان فرهنگی بکتاشی - علوی، جزو تمدن بزرگ اسلام به شمار می‌رود؛ چراکه اساس و پیشینه‌ی باورهای دینی آنان، تفاوتی با مسلمانان به‌ویژه شیعیان ندارد. نتایج حاصل از تحقیق، نشان می‌دهد که علویان و خصوصاً بکتاشیان را باید مسلمان و شیعه‌ی دوازده امامی دانست؛ زیرا آنان به توحید الهی، نبوت رسول اکرم و امامت و ولایت امیرالمومنین و سایر ائمه طاهرین علیهم السلام اعتقاد دارند. سیره بزرگان متقدم و نیز منابع اصیل آنان خصوصاً ارکان‌نامه‌ها، دلالت بر التزام علویان و بکتاشیان بر اجرای شریعت، دارد؛ ولی به جهت قرابت و همجواری‌شان با سایر نحله‌ها و آیین‌ها و نیز فشارهای سیاسی و اجتماعی در طول تاریخ و دوری از علما و عدم ارتباط با مراکز علمی شیعه، باورها و اعتقادات آنان دست‌خوش تغییراتی گشته و به خصوص نسبت به احکام دینی، نقصان‌ها و انحراف‌هایی در میان علویان به وجود آمد و چه بسا آئین‌ها و اندیشه‌های بومیان منطقه در شکل‌گیری فکری آنان کم‌تأثیر نبوده است. از این رو، موجب دوری آنان از اصل و اساس‌شان؛ یعنی تشیع گشته است.

بی‌شک جریان علویان در منطقه ترکیه و بالکان از گروه‌های مهم و اثرگذار می‌باشند که در طول تاریخ دچار فراز و نشیب‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اعتقادی گردیده‌اند. برخی محققان علوی پژوه؛ اعم از مسلمانان و یا مستشرقان، سعی نموده‌اند جریان علویان را به نوعی، تافته جدا بافته از منشا تشیع در نظر بگیرند و با طرح مباحثی از جمله: تاثیر پذیری ایشان از اهل تسنن، تصوف، حروفیه و دیگر طریقت‌ها و نحله‌های فکری به‌ویژه مسیحیت، این موضوع را القا نمایند که حیات

علویان از قرن هفتم هجری به بعد، تحت تاثیر جریان‌های فکری مذکور آغاز گردیده است. در صورتی که نگارنده در این تحقیق در پی اثبات آن بوده که منشا علویان را از تشیع بیان نماید، هرچند که در طول زمان به جهت حوادث و تحولات و نیز تعاملات و همجواری و همچنین تحت فشار بودن و عدم دسترسی به منابع لازم و بایسته، در مباحث اعتقادی و دینی علویان تغییراتی ایجاد گردیده و این، موجب انحراف برداشت محققان شده است. از این رو، آنچه که مهم است متدلوژی و روش تحقیق دست یافتن به حقیقت است که تلاش گردیده این موضوع به خوبی رعایت و تبیین گردد. در این مقاله ضمن بیان مفاهیم و کلیاتی از منطقه بالکان و علویان، به ریشه‌های تاریخی اعتقادی و انتسابشان به تصوف، تسنن و تشیع مورد بحث و بررسی قرار گرفت.



فهرست منابع

الف: منابع فارسی

۱. امامی خویی، محمد تقی، (۱۳۷۳)، «معرفی یک شاعر بزرگ علوی بکتاشی»، پژوهشگاه دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید بهشتی،
۲. امامی خوئی، محمد تقی، ترکان، اسلام و علوی گری - بکتاشی گری در آناتولی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۵،
۳. استویانوویچ، ترایان. (۲۰۰۱). «مطالبی درباره بالکان». مجله کنیزونی گلاسنیک. صربستان: بلگراد.
۴. انوشه، حسن، (۱۳۷۱)، «بکتاشیه»، دایرةالمعارف تشیع، تهران، موسسه دایرةالمعارف تشیع،
۵. پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ، (۱۳۵۴)، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام،
۶. پیچ، سری ورتووک، استیون. (۱۳۸۰). اسلام در اروپا: سیاست‌های دین و امت. ترجمه سیدامامی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۷. توال، فرانسوا، (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک تشیع، ترجمه حسن صدوق وینی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی،
۸. حاجی بکتاش خراسانی، محمد بن ابراهیم بن موسی، (۱۳۸۱)، مقالات غیبیه، به کوشش احسان الله شکر خدا، تهران، پیام،
۹. رازنهان، محمدحسن، بیطرفان محمد، (۱۳۹۲)، شیردل تقی، بررسی و تحلیل مبانی اعتقادی طریقت بکتاشه، پژوهشنامه ادیان، سال ۷، ش ۱۳،
۱۰. رفیق، احمد، «رافضی گری و بکتاشیگری»، ترجمه توفیق سبحانی، مجله معارف، دوره دهم، شماره ۱،
۱۱. ساسانی، خان ملک، (۱۳۴۵)، یادبودهای سفارت استانبول، تهران، چاپخانه فردوسی،
۱۲. سبحانی، توفیق و قاسم انصاری، (۱۳۵۵)، «حاجی بکتاش ولی و طریقت بکتاشیه»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، شماره ۲۸،
۱۳. شبی، مصطفی، (۱۳۸۰)، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر،
۱۴. شبی، مصطفی، (۱۳۵۴)، همبستگی میان تصوف و تشیع، ترجمه علی اکبر شهابی، تهران،

۱۵. شیروانی، زین العابدین، (بی تا)، **بستان السیاحه**، تهران، سنایی،
۱۶. ضیایی، علی اکبر. (۱۳۸۲)، **سرزمین عقاب‌ها**. تهران: بنیاد اندیشه اسلامی،
۱۷. فاخوری، حنا و خلیل البحر، (۱۳۸۱)، **تاریخ فلسفه در جهان اسلام**، ترجمه عبدالصمد آیتی، تهران، علمی و فرهنگی،
۱۸. فاروق سومر، نقش ترکان آناتولی در تشکیل دولت صفوی، ترجمه، احسان اشراقی - محمد تقی امامی، تهران، انتشارات گستره، ۱۳۷۱،
۱۹. قلیچ ارول و دیگر نویسندگان، (۱۳۸۸)، **تاریخ و جغرافیای تصوف**، تهران، نشر کتاب مرجع،
۲۰. قربانپور دلاور، محمد. (۱۳۹۱). **اسلام و مسلمانان بالکان**. قم: انتشارات طوبای محبت.
۲۱. قربانپور دلاور، محمد، (۱۳۹۷) **گسترش فرهنگ اسلامی در اروپای شرقی (بالکان)**، مجله زبان و فرهنگ ملل، شماره اول، تابستان
۲۲. گولپینارلی، عبدالباقی، (۱۳۷۸)، **ملامت و ملامتیان**، ترجمه توفیق سبحانی، تهران، روزنه،
۲۳. گیب، همیلتون، (۱۳۶۷)، **اسلام، بررسی تاریخی**، ترجمه منوچهر امیری، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۴. لاپیدوس، ایرام، (۱۳۷۶)، **تاریخ جوامع اسلامی از آغاز تا قرن هجدهم**، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد، آستان قدس رضوی،
۲۵. لوئیس، برنارد، (۱۳۷۴)، **نخستین مسلمانان در اروپا**. ترجمه م. قائد. تهران: نشر مرکز.
۲۶. مادلونگ، ویلفرد، (۱۳۷۷)، **فرقه های اسلامی**، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، اساطیر،
۲۷. متقی، حسین؛ جعفریان، رسول، (۱۳۹۶)، «**جستاری در گونه‌شناسی میراث مکتوب کهن علویان بکتاشی**»، پژوهشنامه مذاهب اسلامی شماره ۷،
۲۸. محمد زاده صدیق، حسین، (۱۳۹۵). **حاجی بکتاش ولی و متون بکتاشیه**، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم،
۲۹. یازیجی، یازیجی، (۱۳۸۹)، **طریقت بکتاشیه**، ترجمه سید امیر حسین اصغری، مجله پژوهش - های منطقه‌ای، شماره ۴،
۳۰. یاشار اجاق، احمد، شهاب ولی، (۱۳۸۵)، **از عصیان بابائیان تا قزلباش گری، نگاهی به تاریخ و رشد علویان در آناتولی**، نشریه: تاریخ اسلام، ش ۲۷.



ب: منابع لاتین

31. Agoston, Gabor, and Bruce Alan Masters, *Conquest and Fusion*, Leiden, E. J. Brill, 1977,
32. Baba Rexheb, *Islamic Mysticism -and Bektashism*, An Abridgen, Translation By Bardhyl Ohoni, Bargan Books, 2006
33. Birge, Kingsley John., *The Bektashi Order of Dervishes*, London, Luzac & Co Co, 1994, pp.33-44.
34. Bosako, Vesselin, “*Religious and Sociocultural Dimensions of the Kazalbashi Community in Bulgaria*”, The Scientific Journal Facta Universitatis, Series, Philosophy and Sociology, No 6/2, 1999,
35. Cavit sunar, Melamilik ve Bektaşilik, Ankara 1975
36. Gölpınarlı, Abdulkaki, *Alevi – Bektaşî Nefesleri*, Istanbul, 1999,
37. Kaya, Haydar: *Bektaşî İlmihali, Ayyıldız Yayınları*, Birinci Baskı, İstanbul / 1989.
38. Koprulu, Mehmed Fuad, *The Origins of the Ottoman Empire*, Gary Leiser(trans.), State University of New York Press, 1992,
39. Nasr, Seyyed Hossein, *Sufi Essays*, New York, University of New York, 1972.
40. Nejat Birdoğan, Anadolunun Gizli Kültürü Alevilik, Hamburg, 1990
41. Norris, H. Thomas., *Islam in the Balkans: Religion and Society between Europe and the Arab World*, University of South Carolina Press, 1993,
42. Shaw, Stanford Jay, *History of the Ottoman Empire and Modern Turkey*, London, Cambridge University Press , 1976, Vol. 2,
43. Toussulis, Y., and Robert Abdul Hayy Darr, *Sufism and the Way of Blame: Hidden Sources of a Sacred Psychology*, Quest Books, 2011,
44. Trimingham, John Spencer, *The Sufi Orders in Islam*, London, Oxford, 1973
45. Tschudi, R, “*Bektashiyya*”, *The Encyclopedia of Islam*, Leiden, E. J. Brill , 1986.

